

گزارشی از پازند

پازند کلمه ایست مرکب از دو جزء پا و زند که از *paiti* و *azanti* قدیم می آید که جزء اول آن راهم به معنی "ضد" و هم به معنی "در برابر" می توان گرفت. جزء دوم که خود با شخصیتی جداگانه در ادبیات باستانی ما شناخته شده است معنی گزارش و شرح و بیان را می دهد.

در لغت نامه های فارسی از دوران پیش به این طرف در برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ سروری، لغت فرس اسدی و غیره هرگز معنی دقیقی از پازند داده نشده است و همیشه به دنبال زند مفهومی کلی از ادبیات اوستایی و یا کتاب دینی زردشت را در بر می گرفته است.

ولی برای ما کاملاً معلوم است که زند گزارشی است براوستا، یعنی ترجمه مطالب اوستایی به زبان و خط پهلوی که غالباً با تفسیرهایی همراه است زند نامیده می شود و پازند مطلبی کاملاً جداگانه است و عبارتست از آوانویسی متون پهلوی به الفبای اوستایی و در دوره های متاخر به الفبای فارسی، روشی که نیازهای زمان آن را به وجود آورده است.

به این ترتیب روشن است که "پازند" یک زبان جداگانه نیست. ترجمه هم نیست بلکه در حقیقت یک فن است، فن آوانگاری، فنی برای بهتر خواندن پهلوی. اکنون ببینیم که این فن پازند نویسی از کی، چگونه و چرا به وجود آمد. ما همه با اشکالات نگارشی خط پهلوی آشنا هستیم و اگر جدول وارتوضیح دهیم در مجموع این نکات را خواهیم داشت:

- مصوت در خط جز در بعضی مواقع نوشته نمی شود.
- یک علامت نگارشی نشان دهنده صداهای مختلف است. مثلاً "ما برای
U ' O ' W ' N ' R یک علامت واحد داریم .
- این علامت ها در موقع ترکیب به شکل جدیدتری در می آید .
- نوشته های پهلوی را املاء تاریخی و شبه تاریخی همراهی می کند یعنی

غالب کلمات تاریخ خود را به دوش می‌کشند .

— و مسئله مهمتر وجود هزوارش ها است .

همه این مشکلات در خط و زبانی ، لااقل در دنیای قدیم ، تا وقتی که از پشتیبانی حکومت و دین رسمی کشور برخوردار بود کمتر تولید اشکال می‌کرد . دبیران و دست اندرکاران آنرا می‌آموختند و به مشکلاتش کمتر می‌اندیشیدند . ولی وقتی این خط و زبان از رسمیت افتاد و پشتیبانی دینی و حکومتی خود را از دست داد و جز در میان اقلیت زردشتی که بتدریج از تعدادشان کاسته می‌شد منزلی نیافت یک به یک مشکلاتش پررنگ تر شد و در نتیجه حتی در میان اقلیت زردشتی نیز نیاز به خطی که تلفظ صحیح دعاها و نیایش ها را بدهد بیشتر احساس گردید و همین نیاز بود که پازند را به وجود آورد .

اما پاسخ این نیاز نخست بار کجا و توسط چه کسانی داده شد ؟

سابقه این کار به طور قطع به ایران برمی‌گردد . ما مثالهای کوچک و رد پاهای قابل شمارشی در کتابهای پهلوی داریم که نوعی پازند نویسی و یا لااقل قدم اول آن است . و این مطلب نادرنیست که در میان متن پهلوی وقتی اشاره به یک دعای اوستایی می‌شود ، نام آن دعا به خط اوستایی داده شود ! مهمتر از آن این که گاهی در میان متن پهلوی ، وقتی کلمه‌ای از نظر استعمال پهلوی کمی مهجور است به الفبای اوستایی می‌آید . ولی پازند به صورت موجود ، موجودیت خرد رامهون شخصی به نام نریوسنگ از پارسیان دانشمندی است که نیاز زمان را احساس کرده است . او که از آخرین دانشمندان گذشته این اقلیت می‌باشد در حدود سده های ۱۱ — ۱۲ میلادی (۵ ، ۶ هجری) دست به این نوآوری زد . یعنی متن های زند و اوستا و کتابهای مهم پهلوی را به الفبای اوستایی آوانویسی کرد و دنباله این کار گرفته شد و سپس دعاها ، نیایش ها نیرنگها و افسون ها و بخصوص متن هایی که زردشتیان در مراسم روزانه و مسائل عادی با آن سروکار داشتند به پازند برگردانده شد .

نریوسنگ خود نمی‌دانست که پازند نویسی می‌کند و هرگز این کار را پازند نخواهد است و آن را با جملات پیچیده تشریح نموده است . ولی کم‌کم نویسندگان بعدتر ، نام پازند را به آن دادند . یکی از رونویسی کنندگان متن پازند جاماسب نامه ، آنرا!

1-D.M.MADAN , Dinkard Part I P.446.

2-D.H.JAMASP . Vendidad p.616.

پازند نامیده است!

کاری که نریوسنگ کرد این بود که متن پهلوی را آنچنان که خوانده می‌شد عاری از املاء تاریخی و بدور از هزوارش به نگارش درآورد و این موضوع خود اختصاصات خاصی به این متن‌ها می‌بخشد. ضبط‌های مختلف از لهجه‌های گوناگون ما را در برابر لغت‌های گویشی جدید و همچنین تلفظ‌های نو قرار می‌دهد.

البته شکی نیست که نریوسنگ و پیروان دانشمندش نهایت سعی را داشته‌اند که تلفظی صحیح، نزدیک به تلفظ دوره ساسانی بدهند و عادت ازبرخوانی و بلند خوانی این متن‌ها که از رسوم متداول ایرانیان آن روزگار بوده است، از نظر علمی هم این کار را ممکن جلوه می‌دهد. ولی باوجود این برخی ویژگی‌های گویشی را در آن می‌توان یافت.

از نظر برگردان آوایی نیز پازند تغییر و تبدیل‌هایی را دنبال می‌کند. پازندهای صحیح که تلفظی بجا و نزدیک به واقعیت دارند متعلق به نریوسنگ و پیروان او می‌باشند و این متن‌ها جز این که از نظر مطالعه پدیده خود پازند قابل توجهند بلکه ما را در باز شناسی بسیاری از کلمات پهلوی نیز یاری می‌کنند.

لازم به یادآوری است که مادر کنار پازندهای اصیل دوره نریوسنگ پازندهای متاخر را نیز داریم که در آنها از تلفظ صحیح خبری نیست و غالباً " فقط ظاهر کلمه در نظر گرفته شده و شکل نموداری آن برگردانده شده است. در غالب موارد شاید بتوان این موضوع را ناشی از بی اطلاعی پازندگان جدید دانست ولی وقتی این به اصطلاح اشتباه حنی در کلمه او هرمزد بیش می‌آید که آنرا به *anhuma* که شکل ظاهری پهلوی آن (۳۳) است برمی‌گردانند، این شبهه ایجاد می‌شود که شاید این طرز جدیدی از برگردان است که فقط صورت املائی آن را نویسنده نقل می‌کند و برای این بوده است که کاتبان املاء کلمه را به خاطر سپارند. همین روش را در مورد هزوارشها نیز داشته‌اند.

از متن‌های پازند موجود تعداد کمی به هر سه صورت اوستا، پهلوی و پازند موجود است (مانند سی روزه).

برخی فقط پهلوی و پازند دارد (مینوی خرد) و نیز چند متن پازند مهم وجود دارد که پهلوی آنها در دست نیست (شکندگمانیگ و زار، چم کوستیگ). تعدادی از این آثار مستقیماً "از اوستا می‌آیند (اثوگمده چه) و در مورد برخی دیگر صورت اوستایی موجود

نیست .

لازم به یادآوری است که چند متن پهلوی در دست داریم که بازنویسی شده از روی متن های پازند است مانند متن پهلوی نیایش ها و پهلوی ائوگمده چه و چند فصل اول شکند گمائیگ . این متن ها از نظر تاریخی ارزشی ندارند و فقط گاهی از این نظر که برگرداننده آن به نسخه های خطی بجز نسخه های موجود دسترسی داشته است قابل توجه می باشد!

اما از نظر مطلب ، پازندهایی که به خط اوستایی در دست است تقسیمات مختلفی را شامل می شوند که عبارتست از:

— متون پازند از کتابهای شناخته شده پهلوی .

— متونی که در کتابهای دعابه کار رفته است و نیرنگها و افسونها ، ستایش ها و نیایشهای ایزدان و متن های متفرقه .

متن های شناخته شده پهلوی که پازند دارند به شرح زیر می باشد:

۱— بندهشن . که نسخه پازند آن از روی بندهشن هندی است و ناقص و مفلوط می باشد!

۲— مینوی خرد که پازند آن کار نریوسنگ می باشد . اصل پهلوی آن در هند بعداً " از بین رفته است . نسخه پهلوی موجود که از طریق ایران باقی مانده است تفاوتهایی با پازند نریوسنگ دارد و احتمال این را که نریوسنگ از نسخه دیگری استفاده کرده است قویتر می نماید!

لغات پازند این کتاب در واژه نامه مینوی خرد به اهتمام دکتر احمد تفصلی گردآوری شده است و ما را در این مطالعه یاری فراوان می کند!

۳— ارداویراف یا ارداویراز نامه که شرح سفر آسمانی ارداویراز به بهشت و دوزخ و برزخ است . نسخه پازند آن اصیلتر از نسخه های پهلوی موجود این کتاب است

۱— ج . تاوادیا " زبان و ادبیات پهلوی " ترجمه س . نجم آبادی انتشارات دانشگاه ۱۳۴۸ ص ۱۶۸

۲— دکتر مهرداد بهار " واژه نامه بندهشن " انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵ ص هـ

۳— ج . تاوادیا " زبان و ادبیات پهلوی " ص ۱۲۹

۴— دکتر احمد تفصلی " واژه نامه مینوی خرد " انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸ ص شش

۹ - ائوگمده چه رساله ایست که نوعی تسلیم به مرگ را القاء می کند و مضمون آن موعظه ای است خطاب به شخص مرده . که با عبارات زیبا و دلکشی موضوع زوال پذیری زندگی و ناگزیری از مرگ را بیان کرده است . اصل اوستایی این رساله موجود است و متن پهلوی موجود بعداً " از روی پازند بازسازی شده است !

۱۱۹۱۰ - همچنین می توان از دو متن کوتاه خویشکار به ریدگان و اندرز او کودگان نام برد که اصل پهلوی آنها در دست نیست و پازند آنها در نسخه ها غالباً همراه با متن بندهشن آمده است .^۱

به متن های دیگر پازند ، یعنی نیرنگها و افسونها و ستایشها و روایتها و غیره به طور کلی اشاره می شود که از آن جمله هستند متون دعایی مانند دعای توبه ، دیباچه آفرینگان ، دعای پیمان بستن ، دعای نکاح گفتن ، نیرنگ در گذشتگان ، دعای تندرستی ، نیرنگ اهورامزدا ، نیرنگ کستی بستن ، نیرنگ حلال کردن گوسپند و مرغ ، نیرنگ دور کردن ظلم دیوان و درو جان ، نیرنگ دور کردن تب گرم و سرد ، نیرنگ تعویذ نوشتن و در گلوی طفلان بستن ، نیرنگ زهر خرفستران زدن ، نیرنگ برای رفع کردن بیم درو جان ، نیرنگ مار زدن ، اوستای وزغ زدن ، نیرنگ بر عطسه خواندن و که تعداد این نیرنگها برای موقعیتهای گوناگون فراوان می باشد و اگر از لحاظ زبانی زیاد مورد نظر و اعتماد نباشد از نظر مطالعات مردم شناسی و جامعه شناسی می تواند بسیار مورد توجه قرار گیرد .^۲ به این مجموعه باید پازند زنده های اوستا را نیز اضافه کنیم . غالب زنده های اوستا توسط تریوسنگ یا همکاران بلا فصل او به پازند برگردانده شده است .

۱- ج . تاوادیا " زبان و ادبیات پهلوی " ص ۱۴۷

J. DARMESTETER, "Le Zend-Avesta" vol III P. CVI

۲- ج . تاوادیا " زبان و ادبیات پهلوی " ص ۱۴۰

۳- تمام این متن های پازندی در کتاب